

اعداد استبيان اسلامي لقياس مدى وجود الله في حياة الانسان

زهرة انصاري^{١*}، ليلي سالك^٢، الناز السادات الموسوي^٢، علي اصغر اصغرنجاد فريد^١

١- قسم علم النفس السريري، كلية العلوم السلوكية والصحة العقلية، مؤسسة طهران للطب النفسي، جامعة ايران للعلوم الطبية، طهران، ايران.

٢- قسم علم النفس السريري، جامعه الشهيد بهشتي للعلوم الطبية، طهران، ايران.

* المراسلات الموجهة إلى السيدة زهرة انصاري؛ البريد الإلكتروني: ansari.z@iums.ac.ir

معلومات المادة

الوصول: ١٨ جمادى الثاني ١٤٣٩

وصول النص النهائي: ٦ شعبان ١٤٣٩

القبول: ١٣ شعبان ١٤٣٩

النشر الإلكتروني: ٩ شوال ١٤٣٩

الملخص

خلفية البحث وأهدافه: في النهج الاسلامي، للاعتقاد الراسخ والعميق في الصفات والأسماء الالهية، دور تربوي كبير في تنمية شخصية الإنسان. وفقا للتعاليم القرآنية، إن لمظاهر التوحيد العملية في الحياة تأثيرين مزدوجين: فمن جانب يمنعان الانسان من الخضوع ويقويانه امام ضغوطات الحياة وازماتها ومن جانب آخر فإن المحاكاة على اساس الصفات الالهية، تؤدي الى تحقيق الأهداف البشرية السامية ونمو مواهبه وازدهارها. الغرض من هذا البحث هو بناء وتوحيد مقياس تطبيق لقياس التقوى في البشر. تهدف هذه الدراسة إلى تقديم أداة جديدة لقياس مدى وجود سمات الله سبحانه وتأثيره في حياة الانسان.

منهجية البحث: اجري هذا البحث الاساسي على منهج مسح ميداني. ففي هذه الدراسة في البداية تم جمع كل اسماء الله سبحانه وصفاته من المصادر الاسلامية، في الخطوة التالية، تمت مراجعة وحذف وتعديل الصفات التي تم الحصول عليها على أساس معايير مختلفة. وفي النهاية تم استخراج ٥٣ صفة وتحويلها الى استبيان ليكرت. ومن هذا المنطلق، فكانت اداة هذه الدراسة، عبارة عن استبيان تم اعداده من قبل الباحث واجري على عينة من ٤٠٠ شخص من شتى الطبقات الاجتماعية والاقتصادية (٧١,٥٪ من سكان الحضر و ٢٥,٨٪ من سكان الريف) ومن كلا الجنسين (٥٠٪ من الاناث) وكانت طريقة أخذ العينات، طبقية عشوائية. تم حساب ثبات القياس وصحته باستخدام معامل الفا كرونباخ وصحة الهيكل والتحليل العاملي واختبار بارنيت وكايزر - ماير - اولكين. تمت مراعاة جميع الموارد الاخلاقية في هذا البحث، و اضافة الى هذا فإن مؤلفي المقالة لم يشيروا الى تضارب المصالح.

الكشوفات: تم حساب معامل ثبات القياس في الفا كرونباخ ٠,٩٥. كذلك تم الحصول على درجة $p < ٠,٠١ / ٠,٨٨$ ذات دلالة احصائية لصحة القياس على اساس معامل اسبيرمان للارتباط ولقد قدرت كفاية العينة بدرجة ذات دلالة احصائية ٠,٠٠٠ / ٠,٩٣. حسب منهج كايزر - ماير - اولكين.

الاستنتاج: اظهرت النتائج المكتسبة من تجزئة التحليلات الاحصائية ان الاستبيان الذي تم اعداده من قبل الباحث له ثبات وصحة مقبولة ويمكن ان يعتبر معيارا صحيحا لقياس مدى وجود سمات الله سبحانه في حياة الانسان.

يتم استناد المقالة على الترتيب التالي:

Ansari Z, Salek L, Mousavi E, Asgharnejad Farid AA. Validating Islamic Questionnaire of Identifying God's Traits in Human. J Res Relig Health. 2018; 4(3): 56- 69.

ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی سنجش خداگونگی در انسان

زهره انصاری^{۱*}، لیلا سالک^۲، سیده الناز موسوی^۲، علی اصغر نژاد فرید^۱

۱- گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده‌ی علوم رفتاری و سلامت روان «انستیتو روان‌پزشکی تهران»، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۲- گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

*مکاتبات خطاب به خانم زهره انصاری؛ رایانامه: ansari.z@iums.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۶ اسفند ۹۶

دریافت متن نهایی: ۳ اردیبهشت ۹۷

پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۹۷

نشر الکترونیکی: ۲ تیر ۹۷

چکیده

سابقه و هدف: در رویکرد اسلامی، باور عمیق به صفات و اسماء الهی نقش عمیق تربیتی در رشد شخصیت انسان دارد. بر اساس آموزه‌های قرآنی، بروز جلوه‌های توحید عملی در زندگی، کارکرد دوگانه‌ی دارد: از یک سو، موجب پیشگیری و مقاوم‌سازی در برابر فشار و بحران‌های زندگی می‌شود؛ و از سوی دیگر، همانندسازی بر مبنای صفات الهی، موجب رسیدن به غایت انسان و رشد و شکوفایی استعدادهای او می‌شود. هدف این پژوهش، ساخت و هنجاریابی مقیاسی کاربردی برای سنجش خداگونگی در انسان است.

روش کار: این مطالعه پژوهشی بنیادی با روش پیمایشی و زمینه‌یابی است. در این پژوهش، نخست تمامی اسماء و صفات خداوند از منابع اسلامی جمع‌آوری شد. در مرحله‌ی بعدی، صفات به‌دست‌آمده بر مبنای معیارهای گوناگون بازبینی، حذف و تعدیل شد. سرانجام، ۵۳ صفت استخراج شد که به پرسش‌نامه‌ی در طیف لیکرت تبدیل شد. بدین جهت، ابزار این مطالعه، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته بود که بر روی نمونه‌ی با حجم ۴۰۰ نفر از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی (۷۱/۵ درصد شهرنشین و ۲۵/۸ درصد روستائین)، از هر جنس (۵۰ درصد زن) اجرا شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ی بود. پایایی و روایی مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ، روایی سازه، تحلیل عاملی، روش کرویت بارتلت و کایسر- مایر - الکین محاسبه شد. در این پژوهش همه‌ی موارد اخلاقی رعایت شده است. علاوه‌براین، نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی گزارش نکرده‌اند.

یافته‌ها: ضریب پایایی مقیاس در آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه شد. روایی مقیاس نیز بر مبنای ضریب همبستگی اسپیرمن یک دامنه در سطح معناداری $p < ۰/۰۰۱$ ، $r = ۰/۸۸$ به دست آمد. کفایت نمونه‌گیری نیز بر حسب روش کایسر- مایر - الکین، در سطح معناداری ۰/۹۳، ۰/۰۰۰ برآورد شد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری نشان داد که پرسش‌نامه‌ی ساخته شده، پایایی و روایی پذیرفتنی دارد و ممکن است بتواند ابزاری معتبر برای سنجش خداگونگی در انسان باشد.

واژگان کلیدی:

الگوی همانندسازی

صفات خداوند

مقیاس اسلامی

استناد مقاله به این صورت است:

Ansari Z, Salek L, Mousavi E, Asgharnejad Farid AA. Validating Islamic Questionnaire of Identifying God's Traits in Human. J Res Relig Health. 2018; 4(3): 56- 69.

مقدمه

دانشمندان در جستجوی کشف ماهیت دنیا و چرایی وجود اشیا در آن هستند. به همین جهت، برای تفسیر یافته‌هایشان به دنبال تصویری از جهان می‌گردند تا بتوانند اعتقاداتشان را در آن جای دهند. به تفسیری که یک شخص یا مکتب درباره‌ی جهان دارد جهان‌بینی گفته می‌شود. جهان‌بینی مبتنی بر سه نوع است: علمی، فلسفی و دینی. جهان‌بینی علمی بر مبنای یافته‌های علمی است. در این تعریف، علم به مفهوم علم تجربی است. علم تجربی مبتنی بر فرضیه و آزمون است و این دو ارزش موقت دارند. جهان‌بینی فلسفی مبتنی بر اصول ماوراءالطبیعی^۱ است. این نوع از جهان‌بینی حوزه‌ی وسیع‌تری از جهان‌بینی علمی دارد و چارچوبی برای جهان‌بینی علمی محسوب می‌شود. سومین شکل جهان‌بینی، جهان‌بینی دینی است که مبتنی بر اصول بنیادی دین است. اساس اسلام، جهان‌بینی توحیدی است (۱). بر اساس جهان‌بینی دینی و توحیدی، هدف غایی انسان در آفرینش، ظهور و بروز صفات باری‌تعالی در انسان و خدایی شدن او است. به حدی که انسان، در آفرینش، خود را مالک هیچ چیز نداند و خداوند را منشأ همه‌ی کمالات تصور کند؛ مقامی که در عرفان و فلسفه از آن به «فقر وجودی» یاد می‌شود. به بیان عرفای اسلامی، کمال حقیقی برای انسان «فنا‌ی ذاتی»، «فنا‌ی وصفی» و «فنا‌ی فعلی» در حضرت سبحان است که از آن به توحید ذاتی، اسمی و فعلی تعبیر می‌شود. این مقام عبارت است از اینکه انسان در اثر این شهود در می‌یابد که هیچ ذات، وصف و فعلی جز برای خداوند سبحان، برای دیگری وجود ندارد (۲) و تلاش می‌کند با الگوگیری از اسماء و صفات خداوند، در قالب بشری، مسیر رشد و کمال را بی‌ماید. به تعبیر امام خمینی (ره) «مقام فقر وجودی چنان است که انسان دریابد تمام ذرات کائنات، مسخر اراده‌ی کامله‌ی حقانند و به هیچ وجه و در هیچ چیز استقلال ندارند و تمام آنها در وجود و کمال وجود و در حرکات و سکنتات و اراده و قدرت و سایر شئون محتاج و فقیر، بلکه فقر محض و محض فقرند» (۳). درک حقیقت این مفهوم از فقر وجودی و امکانی به خدایی شدن انسان می‌انجامد و در مقام بیرونی و رفتاری، آدمی می‌تواند با الگوگیری از اسماء و صفات خداوند، به کمال

انسانی و بالاترین حد رشد و تکامل شخصیت برسد. به عبارت دیگر، خدایی شدن انسان، از یک سو به معنای درک فقر وجودی انسان به خداوند است و از سوی دیگر، به معنای تلاش برای همانندسازی و بهره‌گیری از اسماء و صفات باری تعالی در محدوده‌ی انسانی است.

در سال‌های اخیر، تحولات چشمگیری در زمینه‌ی تعامل بین علم و دین صورت گرفته است. بر اساس نظر هانا آرنه^۲ اگر بتوان قرن هفدهم را قرن ستیزه بین علم و دین (علوم تجربی) نامید، به یقین قرن هجدهم، قرن توقف و قرن نوزدهم، قرن بازگشت و سرانجام، قرن بیستم قرن آشتی بین علم و دین است. پیرو این نام‌گذاری، پاتریشیا آبردین^۳، قرن بیست و یکم را متعلق به دین‌داران می‌نامد (۴). بر این اساس، دین نه تنها از صحنه‌ی زندگی بشر بیرون نرفته است، بلکه با قوتی بیشتر به صحنه‌ی زندگی بشر بازگشته است. این بازگشت به دین و رویگردانی از علم‌زدگی، انسان‌ها را با چالش جدی مواجه کرده است تا دلایلی برای چپستی، چگونگی و چرایی خود بطلبند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها در محدوده‌ی علم قرار نمی‌گیرد، چرا که علم توان پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و چالش‌های بنیادی انسان ندارد (۵). علم نمی‌تواند برای خود، هدف، ماهیت و چرایی تبیین کند (۴). برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها باید از جهان‌بینی دینی کمک گرفت. در جهان‌بینی دینی و توحیدی، این مفاهیم سابقه‌ی تاریخی گسترده دارد و به دقت به آن پاسخ داده شده است. خدایی بودن و مبنای آفرینش مستقل داشتن، عمیق‌ترین پاسخ به مفهوم «چپستی» انسان است (۶). عبودیت و معرفت (۷)، پاسخ به «چرایی» حضور انسان در صحنه‌ی آفرینش است و در نهایت، سؤال از «چگونگی» حضور انسان در آفرینش و کیفیت سبک زندگی او، با مفهوم خدایی شدن و الگوگیری از اسماء و صفات الهی پاسخ داده می‌شود.

اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع اسماء و صفات خداوند چیست؟ به عبارت دیگر، این موضوع می‌تواند چه اثری در رشد شخصیت انسان داشته باشد که در جهان‌بینی توحیدی و دینی بر آن تأکید شده است؟ پاسخ در این است که حضور فعال خداوند در زندگی و باورمندی به صفات او، در شکل‌دهی به سبک زندگی سالم (بر مبنای اسلام) و ایجاد مؤلفه‌ی

2) Hana Aren't

3) Patricia Aberdeen

1) metaphysics

«سلامت روان» مؤثر است. مطالعات نشان داده است که سبک زندگی اسلامی موجب ارتقاء سلامت روان می‌شود (۸) و سلامت روان با بسیاری از مؤلفه‌های دیگر ارتباط دارد. به علاوه سبک زندگی، نه تنها با سلامت روان، بلکه با سلامت عمومی نیز ارتباط مثبت دارد (۹). بدین ترتیب، چنانچه سبک زندگی بر مبنای توحید، صفات و اسماء الله شکل بگیرد، نه تنها موجب ارتقاء سلامت روان بلکه موجب ارتقاء سلامت عمومی نیز می‌شود و چنانچه عامل سلامت عمومی و سلامت روان رشد کند، بسیاری از مؤلفه‌های دیگر (همانند رضایت زناشویی، شغلی و...) نیز بهبود می‌یابد. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده است که سلامت روان با رضایت زناشویی (۱۰)، رضایت شغلی (۱۱ و ۱۲)، تیپ‌های شخصیتی (۱۳)، خوش‌بینی، پیشرفت تحصیلی و عملکرد ورزشی (۱۴) ارتباط دارد. بر اساس مطالعه‌ی که در جمعیت ایرانی انجام شده است، ۲۹/۸ درصد شرکت‌کنندگان درجاتی از اختلال روان‌شناختی گزارش کرده‌اند (۱۵). در مطالعه‌ی دیگری ۲۸/۱ درصد دانشجویان مشکوک به درجاتی از اختلال روانی بودند (۱۶).

در مطالعات مرور پیشینه در حیطه‌ی روان‌شناسی با رویکرد علمی، پرسش‌نامه‌ی ابزار و مقیاسی برای سنجش صفات خداوند در انسان یافت نشد. زیرا در جهان‌بینی و رویکردهای علمی صرف، علم دنیاگرا^۱ است؛ یعنی «علم» منهای خداوند و مفاهیم ماوراءالطبیعی معنا می‌شود (۲)، بنابراین، خدایی وجود ندارد که منشأ اثرگذاری باشد و یا دارای اسماء و صفاتی باشد که بتوان از آن الگوگیری کرد و برای آن مقیاسی داشت. به همین جهت مطالعه‌ی حاضر با هدف پر کردن این خلأ جدی در پهنای مطالعات علمی روان‌شناسی طراحی شده است، تا بتواند از یک سو، به تولید علم و تهیه‌ی ابزار متناسب با جهان اسلام بپردازد و از سوی دیگر، نگاه نوینی به مفاهیم ارزش‌های دینی عرضه کند تا بتواند با بهره‌گیری از آن مفاهیم عمیق، در بهبود سلامت روان و سبک زندگی افراد جامعه گام بلندی بردارد.

روش کار

این مطالعه پژوهشی بنیادی - کاربردی با روش پیمایشی - توصیفی است. به دلیل آنکه هدف پژوهش ساخت و هنجاریابی مقیاسی برای سنجش خداگونگی انسان با تأکید بر

اسماء و صفات الهی در همه‌ی طبقات اجتماعی اقتصادی بود، از این رو، جامعه‌ی آماری شامل قشرهای مختلف اجتماع، اعم از روستایی/شهری، زن/مرد و با تحصیلات دانشگاهی/بدون تحصیلات دانشگاهی بود. حجم نمونه، با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های غیرآزمایشی (همبستگی/پیمایشی)، در سطح معناداری $P < 0.05$ ، ۴۰۰ نفر برآورد شد (۱۷) که با استفاده از روش طبقه‌بندی در دسترس نمونه‌گیری شدند. شرکت‌کنندگان، افرادی با قومیت‌های مختلف اعم از شهرنشین و روستائین (۲۵/۸ درصد)، دارای تحصیلات دانشگاهی و بدون تحصیلات دانشگاهی (۱۵ درصد سیکل، ۳۴/۵ درصد کاردانی، ۷ درصد کارشناسی، ۲۸/۲ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۸ درصد دکتری)، مجرد و متأهل (۵۶/۵ درصد)، از هر دو جنس (۵۰ درصد مؤنث) و در رده‌های مختلف سنی (شش طبقه‌ی سنی) بودند. اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آلفای کرونباخ، دونیم‌سازی اسپیرمن براون^۲، دونیم‌سازی گاتمن^۳، همبستگی بین دو فرم، محاسبه‌ی آلفای بین دو نیمه، تحلیل عاملی، آزمون کایسر-مایر-ولکین^۴ و بارتلت^۵) تحلیل شد.

ابزار استفاده شده در این مطالعه، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته‌ی سنجش خداگونگی در انسان بود. برای تهیه‌ی فهرست صفات خداوند و تهیه‌ی مقیاس، مراحل چهارگانه‌ی صورت گرفت که عبارت بود از:

مرحله‌ی نخست، استخراج صفات خداوند: در این مرحله، تمامی صفات خداوند از منابع قرآنی و کتاب‌های دعا همانند مفاتیح‌الجنان استخراج شد و دعاهای ویژه‌ی صفات خداوند که در بردارنده‌ی هزار نام خداوند بود، همانند دعای جوشن کبیر، مجیر و ... به دقت بررسی شد.

مرحله‌ی دوم، غربالگری: فهرست صفات تهیه شده از اسماء و صفات خداوند، غربالگری شد؛ به دلیل آنکه بخشی از صفات، مخصوص ذات مقدس پروردگار بود و قابلیت دستیابی برای هیچ انسانی نداشت (همانند صفت محیی «زنده کننده»، ممیت «میراننده» و حی «زنده»)، بنابراین، این دسته از صفات، از فهرست حذف شد. برخی دیگر از صفات جمع‌آوری شده با صفات دیگر هم‌پوشی معنایی داشت، برای این دسته از

2) Spearman brown
3) Gutmann
4) Kaiser Meyer Alkin (KMO)
5) Bartlett

(۱) اگر مطالعه‌ی طبیعت بر اساس جهان‌بینی دینی باشد، علم دینی و اگر فارغ از جهان‌بینی دینی باشد، علم دنیاگرا (سکولار) نامیده می‌شود.

الف) در پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه‌ها، به درج اطلاعات شخصی نیازی نیست و فقط ذکر اطلاعات کلی (همانند جنس و سن) کافی است.

ب) پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه‌ها هیچ‌گونه تبعات بعدی و مشکلات احتمالی نخواهد داشت و مطالعه صرفاً با رویکرد پژوهشی طراحی شده است.

د) چنانچه پاسخ‌دهندگان در هر مرحله از پرکردن پرسش‌نامه به ادامه‌ی کار تمایل نداشته باشند، می‌توانند به راحتی از آن منصرف شوند.

زمان لازم برای پاسخ‌گویی به هر پرسش‌نامه، به‌طور تقریبی ۱۰ دقیقه بود. از میان ۴۰۰ پرسش‌نامه‌ی که در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت ۲/۷۵ درصد پرسش‌نامه‌ها، بدون اعتبار (بی‌پاسخ یا ناقص) به دست آمد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان شامل جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت و درجه‌ی اعتبار پرسش‌نامه‌ها در جدول شماره‌ی ۱ گردآوری شده است. منظور از پرسش‌نامه‌های نامعتبر در این جدول، پرسش‌نامه‌هایی است که دارای اطلاعات ناقص یا ناتمام بود و از پژوهش کنار گذاشته شد. اطلاعات مربوط به دو متغیر سن و تحصیلات که هر کدام دارای طبقات مستقلی بودند، در جدول شماره‌ی ۲، آمده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه به تفکیک جنسیت،

وضعیت تأهل، وضعیت سکونت و اعتبار پرسش‌نامه‌ها

شاخص‌های آماری		
شرکت‌کنندگان		
فراوانی	درصد	
زن	۲۰۰	۵۰٪
مرد	۲۰۰	۵۰٪
مجرد	۱۶۴	۴۱/۵٪
متأهل	۲۲۶	۵۶/۵٪
وضعیت سکونت روستانشین	۱۰۳	۲۵/۸٪
وضعیت سکونت شهرنشین	۲۸۶	۷۱/۵٪
وضعیت سکونت مشخص نشده	۱	۳٪
پرسش‌نامه‌های معتبر	۳۸۹	۹۷/۳٪
پرسش‌نامه‌های نامعتبر	۱۱	۲/۸٪
کل پرسش‌نامه‌ها	۴۰۰	۱۰۰٪

صفات نیز صفتی انتخاب شد که دربردارنده‌ی معنای صفات هم‌پوش باشد.

مرحله‌ی سوم، ترجمه‌ی فارسی و معادل‌یابی دقیق: از آنجایی که صفات به‌دست‌آمده عربی بود و به ترجمه‌ی دقیق فارسی نیاز داشت (به دلیل آنکه جامعه و نمونه‌ی آماری مورد مطالعه فارسی زبان بودند) با استفاده از فرهنگ لغت عربی به فارسی، بهترین معنای معادل‌گزینه‌شده.

مرحله‌ی چهارم، بازبینی و تأیید نهایی: به دلیل ماهیت دینی مطالعه، در انتخاب و غربالگری اسماء و صفات خداوند لازم بود علاوه بر اینکه متخصصان روان‌شناسی فهرست صفات به‌دست‌آمده را بررسی روایی - محتوایی می‌کنند، متخصصان حوزوی نیز آن را بازبینی کنند، تا چنانچه اشتباه احتمالی در مرحله‌ی غربالگری و یا معادل‌یابی فارسی روی داده باشد، اصلاح شود. از این‌رو در این مرحله، برخی از صفات، از فهرست حذف شد. حاصل تأیید نهایی متخصصان حوزوی و روان‌شناسی، ۵۳ گویه بود که به مقیاسی با درجه‌بندی لیکرت، تبدیل شد.

روش پر کردن مقیاس به این صورت بود که شرکت‌کننده می‌بایست به تعیین شدت و درجات برخورداری خود از هر یک از صفات مندرج در پرسش‌نامه از خیلی کم تا خیلی زیاد بپردازد. به این ترتیب، هر گویه از سؤال‌ها، می‌توانست دربردارنده‌ی نمره‌ی جداگانه از صفر تا پنج باشد. نمره‌ی نهایی هر فرد، با محاسبه‌ی جمع نمره‌های همه‌ی سؤال‌ها به دست می‌آمد.

پس از آماده‌سازی و تهیه‌ی مقیاس، مراحل هنجارسازی مقیاس صورت گرفت. شیوه‌ی کار بدین صورت بود که نخست، مکان‌های عمومی شهر تهران (که امکان حضور افراد گوناگونی با قومیت‌های مختلف اعم از شهرنشین و روستانشین، دارای تحصیلات دانشگاهی و بدون تحصیلات دانشگاهی، از هر دو جنس؛ و در رده‌های مختلف سنی وجود داشت) شناسایی شد؛ چراکه هدف از تهیه‌ی این مقیاس، ساخت ابزاری بود که به‌طور بالقوه قابلیت کاربرد گسترده برای همه‌ی افراد جامعه داشته باشد و به گروه یا اقلیت خاصی محدود نباشد. سپس آزمون‌گیرندگان، به‌طور حضوری و انفرادی، برای هر یک از افراد، توضیحات لازم را درباره‌ی طرح دادند؛ و به ایجاد انگیزه‌ی لازم برای مشارکت در پرکردن پرسش‌نامه‌ها پرداختند. به‌منظور رعایت مسائل اخلاقی و تشویق پاسخ‌دهندگان به دادن اطلاعات دقیق و گزارش صادقانه، به شرکت‌کنندگان گفته شد:

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه بر اساس متغیر سن و تحصیلات به تفکیک طبقه‌بندی

شرکت‌کنندگان		
طبقه‌بندی سن / تحصیلات	فراوانی	درصد
دامنه‌ی سنی ۱۵-۳۰	۲۱۸	۵۴/۵٪
دامنه‌ی سنی ۳۱-۴۰	۸۰	۲۰٪
دامنه‌ی سنی ۴۱-۵۰	۵۸	۱۴/۵٪
دامنه‌ی سنی ۵۱-۶۰	۲۸	۷٪
دامنه‌ی سنی ۶۱-۷۰	۴	۱٪
دامنه‌ی سنی ۷۱-۸۰	۱	۳٪
سیکل	۶۰	۱۵٪
کاردانی	۱۳۸	۳۴/۵٪
کارشناسی	۲۸	۷٪
کارشناسی ارشد	۱۱۳	۲۸/۲٪
دکتری	۷	۱/۸٪

جدول ۳. ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ		
متغیر	فراوانی	درصد
پاسخ‌های معتبر	۳۸۰	۹۵/۰٪
پاسخ‌های نامعتبر	۲۰	۵/۰٪
آلفای کرونباخ کل	-	۹۵/۰٪
سطح معناداری	-	۰/۰۱٪

ب) پایایی به روش دونیم‌کردن^۱ (ضریب اسپیرمن - براون و ضریب گاتمن): به‌طور کلی، در این روش همه‌ی سؤال‌های فرد یک آزمون و همه‌ی سؤال‌های زوج آزمون دیگر در نظر گرفته می‌شود و ضریب همبستگی بین نیمه‌ها محاسبه می‌شود که این ضریب نشان‌دهنده‌ی ضریب پایایی کل آزمون خواهد بود. ضریب اسپیرمن - براون و ضریب گاتمن از جمله ضرایبی است که بر پایه‌ی روش دونیم‌کردن ابزار سنجش قرار دارد و میزان ضریب پایایی را بیان می‌کند. در تحقیقات اصلی میزان مطلوب ضریب گاتمن ۸۵ تا ۹۰ درصد و در تحقیقات مقدماتی ۸۰ درصد بیان شده است. در این پژوهش، به‌منظور محاسبه‌ی ضریب پایایی بر اساس این روش، سؤال‌ها به دو گروه زوج و فرد تقسیم شد و برای هر فرد پاسخ‌دهنده، دو نمره (یکی نمره‌های فرد و دیگری نمره‌های زوج) به دست آمد. سپس ضریب همبستگی بین دو گروه از نمره‌ها با فرمول اسپیرمن - براون محاسبه شد. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌شود، ضریب پایایی در سطح معناداری $P \leq 0/01$ در روش اسپیرمن براون و ضریب گاتمن ۰/۸۸ به دست آمد که از نظر آماری، پذیرفتنی است.

جدول ۴. ضریب پایایی به روش دونیم‌سازی

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن - براون و ضریب گاتمن	
کرونباخ نیمه‌ی اول	۹۱/۰
تعداد گویه‌های نیمه‌ی اول	۲۷
کرونباخ نیمه‌ی دوم	۹۲/۰
تعداد گویه‌های نیمه‌ی دوم	۲۶
همبستگی بین دو فرم	۷۸/۰
ضریب اسپیرمن - براون	۸۸/۰
ضریب گاتمن	۸۸/۰
تعداد کل گویه‌ها	۵۳
سطح معناداری	۰/۰۱

سنجش پایایی

به منظور تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس در شاخص ضریب پایایی از روش‌های آلفای کرونباخ و روش تصنیف یا دونیم‌کردن آزمون استفاده شد.

الف) پایایی به روش آلفای کرونباخ: آلفای کرونباخ یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین آزمون‌ها برای سنجش قابلیت اعتماد است و برای بررسی در پرسش‌نامه‌هایی به کار می‌رود که به‌صورت طیف لیکرت طراحی شده است و پاسخ‌های چند گزینه‌ی دارد. آلفا می‌تواند مقادیری بین صفر و یک داشته باشد. این سازه، سازگاری درونی را اندازه‌گیری می‌کند و به معنای این است که تا چه حد تمام اجزای یک آزمون، یک مفهوم یکسان را اندازه می‌گیرند و با یکدیگر ارتباط درونی دارند. پیش از اینکه پرسش‌نامه‌ی به کار گرفته شود، لازم است سازگاری درونی آن مشخص شود. اگر اجزا در آزمون همبستگی داشته باشند، ارزش آلفا افزایش می‌یابد (۱۸). به طور کلی، هر اندازه میزان همبستگی مثبت بین سؤال‌ها بیشتر شود، میزان آلفای کرونباخ نیز بیشتر خواهد شد و به‌طور معکوس، هر قدر واریانس و یا پراکندگی میانگین سؤال‌ها بیشتر شود، آلفای کرونباخ کاهش پیدا خواهد کرد (۱۹). علاوه‌براین، افزایش حجم نمونه موجب کاهش واریانس میانگین سؤال‌ها و در نتیجه افزایش آلفای کرونباخ خواهد شد. میزان پایایی به‌دست‌آمده‌ی این مقیاس، بر مبنای ضریب آلفای کرونباخ، ۹۵/۰ درصد در سطح معناداری $P \leq 0/01$ است که به لحاظ آماری نشان‌دهنده‌ی دقت پذیرفتنی و سازگاری درونی بالای مقیاس است. در جدول شماره‌ی ۳، اطلاعات مربوط به آلفای

1) Split = half

سنجش روایی (اعتبار)

روایی یا اعتبار یک ابزار نمایانگر این است که ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه سازه یا خصیصه‌یی را می‌سنجد (۲۰).

روایی محتوایی و سازه: سازه مفهومی انتزاعی است و سنجش آن به سؤال‌های متعدد یا مقیاس‌های ویژه نیاز دارد که بتواند تک تک مؤلفه‌ها و ابعاد آن را پوشش دهد. بنابراین، یکی از روش‌های تعیین روایی سازه، بررسی روایی محتوایی آن است. بدین صورت که پژوهشگر با کمک صاحب‌نظران به بررسی گویه‌های سنجش و جامع و مانع بودن آن می‌پردازد. همان‌طور که در قسمت ابزار توضیح داده شد، به منظور سنجش روایی محتوایی ابزار، از نظر متخصصان استفاده شد که بر اساس آن، تعدادی گویه از کل گویه‌ها کنار گذاشته شد و در مجموع ۵۳ گویه تأیید نهایی شد. به دلیل آنکه روایی محتوایی با روایی سازه هم‌پوشی و ارتباط نزدیک دارد، روایی سازه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد. برای بررسی ضریب همبستگی اسپیرمن و متناسب با فرضیات پژوهش، از «ضریب همبستگی در مدل یک دامنه» استفاده شد. بر این اساس، همبستگی تک تک گویه‌ها با یکدیگر در ضریب همبستگی اسپیرمن یک دامنه، $P \geq 0/38$ درصد به دست آمد. طبق قاعده‌ی تجربی، برای نمونه‌های کوچک از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و برای نمونه‌های بزرگ از سطح ۰/۰۱ یا کمتر استفاده می‌شود. چراکه هر اندازه سطح معنی‌داری پایین‌تر باشد، می‌توان اطمینان بیشتری به واقعی بودن رابطه داشت؛ از این‌رو، بهتر است در نمونه‌های بزرگ سطح معنی‌داری ۰/۰۱ مبنای نظر گرفته شود. در این پژوهش، به دلیل بزرگ بودن تعداد نمونه ($N=400$)، از سطح معناداری ۰/۰۱ استفاده شد.

تحلیل عاملی: روش دیگر بررسی اعتبار سازه، تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی نشان‌دهنده‌ی شیوه‌های ریاضی گوناگون برای تحلیل همبستگی‌های درونی بین مجموعه‌یی از متغیرها و تبیین این همبستگی‌ها بر حسب تعداد معدودی از متغیرها است که عامل نامیده می‌شوند. عامل متغیری فرضی است که بر یک یا چند متغیر مشاهده شده، تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر هدف تحلیل عاملی، استخراج تعداد معدودی عامل از میان تعداد زیادی متغیرهای هم‌پوش است. به منظور تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از روش کایسر-مایر-الکین^۲ و روش بارتلت استفاده شد.

روش کایسر-مایر-الکین: مقدار این شاخص همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. در صورتی که اگر کایسر-مایر-الکین کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، داده‌ها متوسط است و اگر مقدار این شاخص، بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. بر اساس اطلاعات حاصل از جدول شماره‌ی ۵، میزان کایسر-مایر-الکین، ۰/۹۳ است که نشان می‌دهد روش تحلیل عاملی، برای کاربرد در این داده‌ها روش مناسبی است.

جدول ۵. نتایج آزمون کایسر-مایر-الکین و روش بارتلت

کفایت نمونه‌گیری بر حسب روش کایسر-مایر-الکین	
۰/۹۳	کفایت نمونه‌گیری بر حسب روش کایسر-مایر-الکین
۸۳۶۷/۸۰	آزمون کرویت بارتلت
۱۳۷۸	درجه‌ی آزادی ^۳
۰/۰۰۰	سطح معناداری

روش بارتلت: این روش یکی دیگر از روش‌های تشخیص مناسب بودن داده‌ها است. آزمون بارتلت، این فرضیه را می‌آزماید که آیا ماتریس همبستگی مشاهده شده متعلق به جامعه‌یی با متغیرهای نابسته است یا وابسته؟ برای اینکه یک مدل عاملی مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند. پس در فرضیه‌ی آزمون بارتلت مطلوب آن است که فرض صفر رد شود. اگر فرض صفر رد شود به این معنا است که می‌توان از روش تحلیل عاملی برای این دسته از متغیرها استفاده کرد. بنابراین لازم است قبل از تحلیل عاملی ماتریس همبستگی بین متغیرها را بررسی کرد و چنانچه داده‌ها قابلیت لازم را داشت، سپس از روش تحلیل عاملی استفاده شود. بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی ۵، فرض صفر معنادار است. این بدان معنی است که روش تحلیل عاملی قابلیت کاربرد را برای داده‌های مطالعه دارد. مدل تحلیل عاملی مناسب برای این پژوهش، مدل شناسایی «مؤلفه‌های اصلی» بود. چراکه هدف خلاصه‌سازی متغیرها و دستیابی به تعداد محدودی عامل برای اهداف پیش‌بینی بود. برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس^۴ استفاده شد. بر اساس معیار کیزر^۵ ($>1(x)$)، ۱۲ عامل که دارای مقدار ویژه‌ی بیشتر از ۱ بودند ($m=12$)، برای چرخش انتخاب شدند (۲۱). مقدار ویژه‌ی^۶

3) df

4) Varimax method

5) Kaiser's Criterion

6) % Cumulative

1) P-Value

2) Kaiser Meyer Alkin (KMO)

۱۲ عامل استخراج شده ۵۸/۵۵ درصد به دست آمد $((x)=58/55)$.

واریانس مربوط به هر عامل چرخیده^۱ برای ۱۲ عامل به دست آمده در جدول شماره ۶ گزارش شده است.

جدول ۶. آماره‌های مربوط به واریانس ۱۲ عامل استخراج شده در آزمون تحلیل عاملی

چرخش Z عامل‌ها ^۲		
عامل‌ها	واریانس	کل
عامل ۱: دوست‌دار دیگران	۸/۷۳	۴/۶۲
عامل ۲: خوش خلق	۶/۳۱	۳/۳۴
عامل ۳: وفادار	۶/۳۱	۳/۳۴
عامل ۴: باگذشت	۶/۱۵	۳/۲۶
عامل ۵: پذیرنده‌ی حقیقت	۴/۵۶	۲/۴۲
عامل ۶: سخاوتمند	۴/۵۲	۲/۳۹
عامل ۷: دل‌رحم	۴/۴۴	۲/۳۵
عامل ۸: خیرخواه	۴/۰۷	۲/۱۶
عامل ۹: مهربان	۳/۷۸	۲/۰۰
عامل ۱۰: مددکار	۳/۶۲	۱/۹۲
عامل ۱۱: بلندطبع	۳/۲۱	۱/۷۰
عامل ۱۲: قابل اعتماد	۲/۸۰	۱/۴۸

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر مبنای این رویکرد اصلی شکل گرفت که شناخت و معرفت حقیقی به حضور خداوند در زندگی، اثر تربیتی مؤثری در رشد شخصیت انسان دارد (۲۲). شناخت و الگوگیری از اسماء و صفات خداوند، روشی است که می‌توان با استفاده از آن به این شناخت و معرفت حقیقی رسید و آن مفاهیم نظری را به مفاهیم عملی و کاربردی تبدیل کرد. در مطالعه‌ی حاضر، پس از مراجعه به منابع اسلامی و حذف و بازبینی تعداد بسیاری از صفات و اسماء الهی، در مجموع ۵۳ صفت استخراج شد که می‌توانست مبنای همانندسازی و الگوگیری انسان شود. سپس ۵۳ صفت به دست آمده با در نظر گرفتن شاخصه‌های آماری مختلف به پرسش‌نامه‌ی در مقیاس لیکرت تبدیل شد. با استفاده از روش تحلیل عاملی و مدل شناسایی مؤلفه‌های اصلی، از میان ۵۳ صفت، ۱۲ عامل اصلی در نظر گرفته شد. بررسی ۱۲ عامل شناسایی شده نشان می‌دهد که شاید بتوان این عوامل را به دو دسته‌ی صفات درون فردی و بین فردی تقسیم کرد. بدین معنی که برخی از

این صفات در روابط میان فردی بروز بیشتری می‌یابد. عامل‌هایی چون دوست‌دار دیگران بودن، دل‌رحمی، مهربانی، خوش اخلاقی، وفاداری، گذشت، سخاوت و مددکاری بیشترین کاربرد را در ارتباطات بین فردی و اجتماعی دارا است. در مقابل، عامل‌هایی مانند پذیرندگی حقیقت، خیرخواهی، بلندطبعی و قابل اعتماد بودن، بیشتر جنبه‌ی درون روانی دارند. اگرچه ممکن است بتوان از منظری دیگر، هر کدام از این صفات را در طبقه‌ی مقابل جای داد و با یکدیگر جابه‌جا و یا در هم ادغام کرد.

نکته‌ی قابل توجه از نتایج تحلیل عاملی در استخراج این ۱۲ عامل، هم‌خوانی این طبقه‌بندی از صفات با مفاهیم قرآنی و رویکرد اسلامی است. در آیات قرآن کریم، به تربیت و رشد انسان از دو بُعد درون فردی و بین فردی توجه می‌شود. از این رو خداوند در آیات بسیاری به طور هم‌زمان از یک سو، به مسائل درون روانی و عواملی که برای ساخته شدن شخصیت انسان از درون لازم است تذکر می‌دهد. از سوی دیگر، به عواملی که برای رشد انسان از بُعد بین فردی لازم است توجه می‌کند. برای مثال پیوند همیشگی و دائمی نماز و زکات (۲۳) در آیات قرآن دیده می‌شود. دستور به نماز، به عوامل درون فردی اشاره دارد و تأکید بر پرداخت زکات، ناظر به مسائل بین فردی و اجتماعی است. زکات نماد تمامی پرداخت اقتصادی و توجه کردن به وضعیت اقتصادی طبقات محروم و ضعیف جامعه است. منطبق بر یافته‌های به دست آمده از پژوهش، برای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری نسبت به طبقات ضعیف اقتصادی در رفتار بیرونی زکات، لازم است انسان بتواند در وهله‌ی نخست صفاتی را در خود پرورش دهد؛ اینکه نسبت به بشریت و انسانیت دوست‌دار، مهربان، علاقه‌مند و دل‌رحم باشد؛ از نیازها و اولویت‌های خود گذشت نماید و سخاوتمندانه به یاری و مدد دیگران برخیزد. همان‌طور که مشاهده می‌شود لازمه‌ی شکل‌گیری رفتار بیرونی پرداخت زکات، درونی‌سازی تعدادی از صفات خداوند همانند دوست داشتن، گذشت، سخاوت، مددکاری و رحم است. صفاتی که وقتی با یکدیگر ترکیب شوند رفتار بین فردی و ارزش‌مدارانه‌ی چون انفاق، صدقه و زکات شکل می‌گیرد. جامعیت صفات قابل الگوگیری خداوند برای انسان به حدی است که جمع بین آنها (عوامل درون فردی و بین فردی) می‌تواند به شکل‌گیری هویت انسانی مستقل و سبک زندگی اختصاصی بر مبنای اسماء و صفات خداوند منجر شود. از این چشم‌انداز، صفات خداوند از مفاهیم نظری و شناختی به آموزه‌های کاربردی و اجرایی برای

1) % of Variance _ Rotation Sums of Squared Loadings
2) Rotation Sums of Squared Loadings

ارتباطی افراد، احساس نیاز و وابستگی به دیگران، یا دل‌بستگی به داشته‌های دیگران است. تا حدی که اگر انتظارات فرد، از دیگری برآورده نشود، ممکن است در روابط بین فردی افسردگی، تنش و کینه به وجود آید. درحالی‌که اگر انسان، به این صفت خداوند باور عمیق پیدا کند که تنها خداوند، عامل هر دریافت و فقدان است (۲۶)، این اختلالات به وجود نخواهد آمد. اگر انسان، خداوند را عامل اثرگذاری هر سبب بداند و دیگران را تنها اسباب و وسایلی از سوی خداوند بداند که در صورت خواست و اراده‌ی الهی، آن اسباب اثرگذار واقع می‌شود («دری را که تو ببندی کسی نمی‌تواند بگشاید و دری را که تو باز کنی کسی نمی‌تواند ببندد» (۲۶))، دچار چنین مشکلاتی نخواهد شد.

۲) رضایت‌مندی: رضایت از زندگی شاخصی است که بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند. به عبارت دیگر، احساس خشنودی نسبت به داشته‌ها و نداشته‌ها، موفقیت‌ها و محرومیت‌های زندگی در حالت کلی است. در مطالعه‌ی که در سال ۱۳۹۴ در استان گیلان انجام شد، مشخص شد که میزان رضایت از زندگی ۱۲/۴ درصد پاسخ‌دهندگان کم، ۵۰/۳ درصد متوسط و ۳۷/۳ درصد زیاد بود (۲۹). بر اساس این مطالعه، بیش از نیمی از افراد جامعه از زندگی خود رضایت نداشتند. درحالی‌که معرفت عمیق و شناخت نسبت به صفات خداوند و حضور این باورها در زندگی انسان، موجب شکل‌گیری و افزایش رضایت‌مندی می‌شود. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «داناترین مردم نسبت به خدای متعال کسی است که بیش از همه از قضا و قدر الهی راضی باشد» (۳۰).

۳) کفایت، کارآمدی و تلاش: باورمندی به صفات خداوند و حضور گسترده‌ی او، انگیزه‌ی تلاش و پویایی را در انسان فعال می‌کند و مانع افسردگی و بی‌هدفی می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «تعجب می‌کنم از کسی که ادعای شناخت خدا را دارد، اما برای زندگی ابدی آخرت تلاشی نمی‌کند» (۳۱). در جهان‌بینی توحیدی و دینی، زندگی دنیوی، مقدمه و اسباب‌گذار به زندگی بعدی است و تلاش‌های آدمی در حیات بعدی به نتیجه می‌نشیند و انسان جز بازتاب رفتار خود، چیز دیگری دریافت نخواهد کرد (۳۲).

۴) از بین رفتن آسیب‌های شخصیت: به هر میزان که شناخت توحیدی انسان نسبت به صفات خداوند بیشتر شود، به همان اندازه از آسیب‌های شخصیت در امان می‌ماند. برای مثال، در دیدگاه توحیدی، درمان اختلال شخصیت

همانندسازی و الگوگیری انسان تبدیل می‌شود. متفکران اسلامی معتقدند انسان در جهان آفرینش، دارای مقام خلیفه الهی است که ذوب شدن در اسماء و صفات الهی و الگوگیری از آن، اساس هویت انسانی است (۲۴). بر اساس این اصل، باور عمیق به صفات الهی در زندگی انسان (توحید افعالی)، سبک زندگی متفاوتی را برای او تولید خواهد کرد. سبک زندگی عبارت است از «مجموعه‌ی چارچوب‌ها و قالب‌های ساختاری در فکر و عمل و جامعه که برگرفته از نگرش او به هستی و باورهای مبتنی بر آن نگرش است» (۲۵). سبک زندگی، بر موضوعات مختلف مربوط به انسان مانند حل مسئله، واکنش به استرس و فشار؛ و سلامت و بیماری روانی اثرگذار است. بر مبنای جهان‌بینی دینی و به‌طور اختصاصی فرمایشی از امام سید الساجدین (علیه‌السلام)؛ سلامت روان آدمی، در گرو ذکر عظمت خداوند است (۲۶). ذکر خداوند، نقش چشمگیری در ایجاد آرامش و دستیابی به سلامت انسان دارد (۲۷). در این گونه احادیث تأکید بسیاری بر «ذکر» و نقش شگرف آن در سلامت انسان شده است. باید دانست که ذکر، درجات و سطوحی دارد. اولین سطح از ذکر، ذکر کلامی و زبانی است. بدین معنی که انسان نام خدا و اوصاف جلال و جمال او و اسماء حسنائش را بر زبان جاری کند، بدون آنکه توجهی به مفاهیم و محتوای آن داشته باشد. این نوع از ذکر، کم ارزش است و تأثیر چندانی در تربیت و رشد انسان ندارد. سطح دوم ذکر، ذکر معنوی است و آن این است که انسان درحالی‌که مشغول ذکر زبانی است به معنای آن نیز توجه کند؛ بدیهی است توجه به معانی و مفاهیم اذکار به‌ویژه اگر متوجه تفاوت این مفاهیم و خصوصیت هر یک از آنها باشد، عمق بیشتری به ذکر می‌بخشد و آثار بیشتری در تربیت انسان دارد. مرحله و سطح سوم، ذکر قلبی است؛ ذکر قلبی آن است که توجه به پروردگار، نخست از دل بجوشد و سپس بر زبان جاری شود. این نوع از ذکر، بالاترین اثر را در رشد انسان و سلامت بخشیدن به او در تمام سطوح دارد. بنابراین، در زمینه‌ی ذکر و ارتباط انسان با اسماء و صفات الهی، هر میزانی که انسان به حقیقت اسماء و صفات الهی پی ببرد و به سطوح و لایه‌های عمیق‌تر آن راه یابد، به همان اندازه از سلامت بهره‌مند می‌شود. برای نمونه به برخی از آثار و پیامدهای حضور اسماء و صفات خداوند در زندگی اشاره می‌شود:

۱) بی‌نیازی از مردم: امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «در هر دلی که معرفت خدا جای گیرد، بی‌نیازی از خلق خدا هم جای خواهد گرفت» (۲۸). علت اصلی بسیاری از مشکلات

کس به او حکمت عطا شود به خیر بسیار دست یافته است (۳۳).

محدودیت‌های پژوهش

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نخست آنکه گزینش و جمع‌آوری اسماء و صفات خداوند از متون اصلی اسلامی شامل قرآن و ادعیه، فرایندی وقت‌گیر و حساس بود. چراکه باید تمامی صفات به درستی جمع‌آوری می‌شد و هیچ کدام فروگذار نمی‌شد. در مرحله‌ی بعدی لازم بود صاحب‌نظران تفسیر هر یک از صفات را تأیید کنند. چراکه بسیاری از صفات و اسماء خداوند، مخصوص ذات بی‌همتای اوست و در محدوده‌ی بشری نمی‌گنجد. چالش دیگر، در ترجمه و برگردان صفات عربی به فارسی و گزینش بهترین معنا بود. چراکه وقتی چند صفت که در عربی هر کدام کنه معنای متفاوتی داشتند، به فارسی ترجمه می‌شد معنای یکسان و مشترکی به دست می‌آمد. برای مثال، صفت رحمان و رحیم، هر یک عمق و ژرفای معنایی متفاوتی دارد و ناظر به یک جنبه از رحمت خداوند است؛ اما در فرهنگ‌های لغت عربی به فارسی همگی معادل بخشنده یا مهربان ترجمه شده بود که در اینجا لازم بود یا صفات در ظاهر مشابه، در هم ادغام شوند و یک واژه‌ی فارسی در ترجمه به دست آید؛ یا به‌طور جداگانه و به صورت یک صفت مستقل در نظر گرفته شود. به دلیل وجود این دست از حساسیت‌ها و توجه به گزینش معنایی مناسب و محدودیت‌های ترجمه‌ی، تعدادی از صفات به کمک صاحب‌نظران در مرحله‌ی بازبینی کنار گذاشته شد. مطالعه‌ی حاضر در صد آن بود تا به مفاهیم و مضامین دینی با نگاه جدیدی بنگرد و از غنای معارف اسلامی و دینی در جهت رفع آسیب و افزایش رشد جامعه استفاده کند. پیشنهاد می‌شود این مقیاس در جمعیت‌های دیگر و با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوتی نسبت به جامعه‌ی اولیه، هنجار شود و پس از هنجاریابی‌های متعدد، به صورت ابزار پژوهشی در حیطه‌ی مطالعات سلامت روان در جامعه‌ی اسلامی، استفاده شود. به طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که این مقیاس می‌تواند ابزاری قوی در جهت سنجش خداگونگی در انسان و حرکت در مسیر کمال غایی انسانی باشد.

قدردانی

خودش یافته، معرفت حقیقی خداوند است؛ هر چه انسان عظمت خدا را بیشتر بشناسد حقارت خود را بیشتر درک خواهد کرد و دیگر جایی برای خودشیفتگی باقی نمی‌ماند، بلکه انسان موحد خداش یافته می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: معرفت حقیقی خدا با معرفت نفس ارتباط تنگاتنگی دارد و هر چه انسان بیشتر خدا را به عظمت بشناسد، حقارت خود را بیشتر درک خواهد کرد. برای کسی که عظمت خداوند را شناخته است، شایسته نیست که بزرگی نماید. به درستی بلند مرتبگی کسانی که عظمت او را می‌دانند آن است که در برابر او فروتنی کنند (۳۳).

برای روشن شدن موضوع، به نقش اثرگذار یک صفت از اسماء خداوند یعنی صفت «حکمت» اشاره می‌شود: الف: توجه به صفت حکمت می‌تواند در پیشرفت‌های علمی انسان و آگاهی او نسبت به اسرار جهان هستی اثر عمیقی بگذارد و به علم و دانش بشری عمق و شتاب و سرعت بیشتری ببخشد. زیرا وقتی انسان بداند بنای باشکوه و شگرف آفرینش را معمار چیره‌دستی ساخته؛ و در جای جای آن اسرار حکمت به کار برده است، هرگز از کنار موجودات و حوادث جهان، بی‌تفاوت نمی‌گذرد، تا آنجا که می‌تواند از افتادن یک سیب از درخت و مانند آن، قانون جاذبه‌ی عمومی و قوانین مهم دیگر را کشف کند.

ب: توجه به حکمت خداوند در تشریح و قانون‌گذاری، مشکلات عمل به آنها را آسان می‌سازد و تحمل فشارهای زندگی را در راه به‌کار بستن دستوره‌های او لذت‌بخش می‌کند؛ چراکه انسان به این شناخت عمیق می‌رسد که تمام آن برنامه‌ها و دستورها از سوی آن حکیم بزرگ است، اگر داروی تلخی تجویز کرده، دارویی حیات‌بخش است و اگر کار پرمشقتی را تکلیف نموده، سرانجام راحت‌آفرین و تکامل‌دهنده است. ج: توجه به این وصف به انسان در برابر بحران و تنش‌های ناگوار، توان مقاومت، تاب‌آوری و صبر و کنترل می‌دهد؛ چراکه می‌داند هیچ یک از اینها بی‌حساب نیست و همین احساس او را برای غلبه بر فشارهایی که گاهی تصور آن انسان را از پای در می‌آورد یاری می‌دهد.

د: پر افتخارترین مقام برای انسان، قرب خداوند است که جز از طریق تخلّق به صفات الهی امکان‌پذیر نیست. توجه به حکیم بودن خدا انسان را دعوت می‌کند که به علم و حکمت روی آورد و متخلّق به اخلاق او شود و شاید به همین دلیل قرآن مجید از حکمت به خیر کثیر (نیکی فراوان) یاد کرده است و می‌فرماید: به هرکس که بخواهد حکمت عطا می‌کند و هر

12. Siavash Poury Y, Dastoorani M. The Relationship between Personality Characteristics and Mental Health with Employee's Job Satisfaction. *Supervision and Inspection*. 1391;20 (6): 109- 34. (Full Text in persian)
13. Tehrani H, Shojaeizadeh D, Hosseini S, Aliizadegan S. The relationship between mental health and personality type and life events of nurses working in emergency services of 11 °Tehran. *Nursing of Iran*. 1391;25(75):52-9. (Full Text in persian)
14. Hosseini S, Kazemi S, Shahbaznejad L. Investigating the relationship between exercise and mental health of students. *Mazandaran University of Medical Sciences*. 1385;16(53): 97-104. (Full Text in persian)
15. Tavousi M, Hashemi A, Naghizadeh F, Montazeri A. Mental Health Status of the Urban Population: A National Study. *Payesh*. 1395;15(3):233- 9. (Full Text in persian)
16. Dadkhah B, Mohammadi M, Mozafari N. Mental Health Status of Students in Ardabil University of Medical Sciences. *Ardabil University of Medical Sciences*. 1383;6(1):31-6. (Full Text in persian)
17. Maleky Afzali H, Majdzadeh R, Fotohi A, Tavakoli S. *Methodology of Applied Research in Medical Sciences*. Tehran: Tehran Medical Sciences; 1384. (Full Text in persian)
18. Arab Zuzeni M, Hassanipur S, Baghi V. Understanding the Cronbach Alpha Concept: The Necessity for Original Research Studies. *Iranian Journal of Medical Education*. 1393;14(9):831-2. (Full Text in persian)
19. Green S. An appropriate alpha for retest data. *Psychology method*. 2003;8(1) :88-101.
20. Mohammad Beigi A, Mohammad Salehin N, Ali Gol M. Validity and reliability of various tools and methods of measuring them in applied health research. *Rafsanjan University of Medical Sciences* 1393;13:1153-70. (Full Text in persian)
21. Biabangard A. *Research method in psychology and education*. Tehran: Duran;1389. (Full Text in persian)
22. Functions of the belief in monotheism in life from the perspective of verses and narrations [Internet]. 1393. Available from: <http://pajooresh.howzhtehran.com/Files/mahfel.php?i dVeiw=4864&level=4&subid=4864>.
23. Holy Quran Tehran: Mahshad;1380, Baqarah 2:43. (Full Text in Arabic)
24. Amin Dinh G, A, Javadi Amoli A. The true life of man in the Quran. Qom: Asra;1394. (Full Text in persian)
25. Bakhtiyarand M. Analytical study of the role and place of teaching thinking in Islamic lifestyle. Ahvaz: Shahid Chamran University;1393. (Full Text in persian)

پژوهشگران، از تمامی صاحب‌نظران حوزوی و روان‌شناسی که در تمامی مراحل ساخت و هنجاریابی به ویژه مرحله‌ی گزینش و غربالگری صفات، پارایگراشان بوده‌اند، به علاوه تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنند.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی درباره‌ی این پژوهش ندارند.

References

1. Golshani M. From secular science to religious science. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies;1370. (Full Text in persian)
2. Fereydouni MR. The Consciousness of Inborn Poverty and its Effect on Human Verbs and Attitudes in the Viewpoint of Allameh Tabataba'i. *Religious thought*. 1388;5(19):163-86. (Full Text in persian)
3. Mousavi Khomeini R. Description of forty hadiths. Tehran: institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini's Works;1371. (Full Text in persian)
4. Ansari MA. Radiation of Prophetic Authority . Mashhad: Bayan hedayt noor; 1391. (Full Text in persian)
5. Golshani M. Science and Religion and Spirituality on the eve of the 21st Century. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies; 1385. (Full Text in persian)
6. Holy Quran Tehran: Mahshad;1380, Hujurat 49:17. (Full Text in Arabic)
7. Holy Quran Tehran: Mahshad;1380, Ahariyat 51: 56. (Full Text in Arabic)
8. Hosseinzadeh A, Sedighi Arfaie F, Yazdkhisati A, Nourmohammadi Najafabadi M. The relationship between Islamic lifestyle and mental health and resilience of students of Kashan University. *Psychology and Religion*. 1395;9(1):Successive 33. (Full Text in persian)
9. Samimi R, Mesroor Roodsari D, Hosseini F, Tamadonfar M. Relationship between lifestyle and general health of students. *Nursing Iran*. 1385; 48 (19):83-93. (Full Text in persian)
10. Shahi A, Ghaffari A, Qasemi Falavarjani K. Relationship between mental health and marital satisfaction. *Kermanshah University of Medical Sciences*. 1390;15(2): 119-26. (Full Text in persian)
11. Hobi M, Moghaddasi H, Hatami HR, Azad Marzabadi A, Anissi J. Investigating the relationship between job satisfaction of employees and family mental health in a military unit *Military psychology*. 1390;2(5):57-66. (Full Text in persian)

26. Sahifeh Sajjadih Imam Sajjad. Qom: Ghaem Al Muhammad; 1383. (Full Text in Arabic)

27. Naghavi g. The role of monotheism in human life from the perspective of the Quran. Qom :Islamic Information and Documentation Center ,Research Assistant, Islamic Propaganda Office;1391. (Full Text in persian)

28. Amidi A. The description of the researcher Jamal al-Din Muhammad Khansari on the rhythm of the rock and the moon. Tehran: Tehran University. 1384. (Full Text in persian)

29. Sojoodi A, Massoumi Rad R, Avaardideh S, Abdi F. A Survey on Social Factors Affecting Life Satisfaction: Case Study of Payame Noor University

Students. The growth of psychology. 1394;4(12):19-30. (Full Text in persian)

30. Coleini Razi A. Sufficient Principles. Tehran: Elmieh Islamieh; 1356. (Full Text in Arabic)

31. Allaysi Alvaseti E. Ayoun al-Hakam and Al-Mequah. Qom: Dar al-Hadith; 1376. (Full Text in Arabic)

32. Holy Quran. Tehran: Mahshad; 1380, Najm 53:39. (Full Text in Arabic)

33. Makarem shirazi N. Message of the Qur'an: A New Method in the Quran's Thematic Commentary. Tehran: Dar alketab-Islamiy;1377. (Full Text in persian)

Archive of SID